



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه تنوع فرهنگی و میزان تفاوت‌ها در جوامع، و نیز آشنایی و برخورد آن‌ها با یکدیگر به مسئله‌ای اساسی تبدیل شده است، زیرا تفاوت‌ها، پیوندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. افزایش بیش از پیش تفاوت‌ها منجر به تشکیل گروه‌ها و نهادهای مختلف با باورها و عقاید گوناگون می‌شود، چنین شرایطی زمینه‌های انواع گسست‌ها را در جامعه فراهم می‌کند. در این وضعیت این مدارا است که مانع شکل‌گیری تعارض و رویه‌های خشونت‌آمیز در جامعه می‌شود. (افرا، ۱۴۰۲: ۴۳). از طرف دیگر، در جامعه مدرن و با افزایش ارتباطات بین افراد و کشورها، مرحله جدیدی از تاریخ رقم می‌خورد و این امکان به وجود می‌آید که انسان‌های این کره خاکی تعامل پیوسته و گسترده‌ای با هم داشته باشند (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۶).

مدارا ارائه رفتاری به منظور بهبود کیفیت مناسبات اجتماعی و اجتناب از خشونت و اجبار است. مدارا ارزشمند شمردن تفاوت‌ها، پیوند تمایزهای فرهنگی، زیربار نرفتن افکار غیرمنطقی، احترام به عقاید دیگران در شرایطی که آزادانه بتواند آن را بیان نمایند، می‌باشد (افرا، ۱۴۰۱: ۴۴). در واقع مدارا پیش‌نیاز شکل‌گیری جامعه مدنی است (فلپز، ۲۰۰۴: ۲۸۷). مدارای اجتماعی به معنای پذیرش و تحمل تفاوت‌ها و اختلافات در جامعه است و نقش مهمی در ایجاد یک جامعه همبسته و پایدار ایفا می‌کند. از سوی دیگر، دینداری که به تعهد و التزام به اصول و آموزه‌های دینی اشاره دارد، می‌تواند تأثیرات مثبتی بر رفتارها و نگرش‌های فردی و اجتماعی داشته باشد. با این حال، میزان و نحوه تأثیرگذاری دین بر مدارای اجتماعی می‌تواند متغیر باشد و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد.

اینگلهارت^۲ افزایش مدارا را در جامعه به توسعه اجتماعی-اقتصادی مرتبط می‌داند و معتقد است که مدارا از طریق تنوع بخشی به کنش‌های متقابل انسانی، تخصص‌گرایی شغلی و پیچیدگی اجتماعی افزایش می‌یابد. نتیجه رشد تنوع کنش‌های متقابل انسانی، رهایی افراد از قید و بندهای عمومی است. تنوع، افراد را از قید و بندهای عمومی انتسابی و جمع‌های بسته اجتماعی رها نموده و به کنش متقابل با دیگری بر مبنای مبادله سوق می‌دهد. در نتیجه افراد برای ارتباط و عدم ارتباط با هر کسی که بخواهند، آزادند. بنابراین قلمرو انتخاب انسانی از نظر اینگلهارت منجر به گرایش به سمت ارزش‌های ابراز وجود می‌گردد. سرانجام اینکه از منظر اینگلهارت اخلاق مدارا و احترام به ارزش‌ها و اعتقادات دیگران، نتیجه رشد ارزش‌های ابراز وجود است (بیانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲).

امروزه با افزایش تنوع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در جوامع، اهمیت مدارای اجتماعی به عنوان یک مؤلفه کلیدی برای ایجاد همبستگی و کاهش تعارضات بین فردی و گروهی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، دانشگاه‌ها به مانند اجتماع کوچک، بستر مناسبی برای مطالعه و تحلیل رفتارها و نگرش‌های اجتماعی فراهم می‌کنند، دانشگاه تبریز، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز آموزش عالی در ایران، با تنوع گسترده‌ای از دانشجویان از قومیت‌ها و پس‌زمینه‌های مذهبی مختلف مواجه است.

دین‌داری به عنوان یک عامل فرهنگی و معنوی می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارها و نگرش‌های افراد داشته باشد. از یک سو، آموزه‌های دینی اغلب به ارزش‌هایی مانند محبت، همدلی و احترام به دیگران تأکید دارند که می‌تواند به تقویت مدارای اجتماعی منجر شود، از سوی دیگر، تفسیرهای محدود و انحصاری از دین ممکن است به افزایش تعصبات و کاهش مدارای اجتماعی بینجامد. پیش شرط وحدت و انسجام پایدار، قبول تمایزات فرهنگی، دینی و اجتماعی یا وجود مدارای اجتماعی می‌باشد. با عنایت به این تکثر دینی، قومی و ... در سطح ملی و بین‌المللی لزوم پرداختن به مدارای اجتماعی، مهم به نظر می‌رسد و با توجه به اینکه کشور ایران دارای تنوعات فرهنگی می‌باشد، داشتن نگاه ویژه به مدارای اجتماعی می‌تواند از بروز شکاف در این فرهنگ‌ها جلوگیری نماید و منجر به ایجاد همدلی و وحدت در بین مردم کشور شود. لذا، درک دقیق و علمی از رابطه بین دین‌داری و مدارای اجتماعی در بین دانشجویان می‌تواند به روشن‌تر شدن این مسئله کمک کند.

در دهه‌های اخیر، موضوع رابطه بین دین‌داری و مدارای اجتماعی به یکی از مباحث مهم در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی تبدیل شده است، در جوامعی که تنوع فرهنگی و مذهبی در آن‌ها وجود دارد، شناخت و فهم ارتباط بین این دو مفهوم می‌تواند به ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و کاهش تعارضات کمک کند. دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای آموزشی و فرهنگی، نقش بسزایی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی دانشجویان دارند. دین، به عنوان یکی از عناصر اساسی فرهنگ، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی فردی و اجتماعی افراد داشته باشد. دانشگاه تبریز به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز آموزش عالی در ایران، مجموعه متنوعی از دانشجویان با پس‌زمینه‌های فرهنگی و مذهبی مختلف را در خود جای داده است، این تنوع فرهنگی و مذهبی فرصت مناسبی را برای مطالعه و تحلیل ارتباط بین دین‌داری و مدارای اجتماعی فراهم می‌آورد. بررسی این رابطه می‌تواند به درک بهتر نقش دین در توسعه نگرش‌های مثبت اجتماعی و کاهش تنش‌ها و تعارضات کمک کند.

تحقیقات بسیار زیادی در رابطه با ارتباط بین دین‌داری و مدارای اجتماعی انجام شده که نشان دهنده تأثیر هر دو متغیر بر هم است. نتیجه بررسی کیم و ژانگ^۱ (۲۰۱۰) در خصوص ارتباط دین‌داری با مدارای اجتماعی نمایان می‌سازد که میزان مدارای اجتماعی متأثر از دین یا مذهب متفاوت می‌باشد کارپف^۲ (۲۰۰۲) طی مقایسه ارتباط دین‌داری با مدارای سیاسی در آمریکا و لهستان بیان می‌نماید که دین‌داری سیاسی مدارای پایین را در پی داشته است بنابراین افرادی که باور دارند کلیسا باید در قدرت سیاسی دخالت کند از میزان مدارای کمتری برخوردار بودند. با عنایت به وجود ادیان، فرهنگ‌ها و عقاید مختلف در دنیا و در نتیجه ایجاد گسست در بین مردم ناشی از این تمایزات مختلف، پیدا کردن راهکار مناسب به منظور ایجاد همبستگی و به وجود آوردن شرایط جهت همزیستی بهتر و مسالمت‌آمیز انسان‌ها می‌تواند موثر باشد و در این خصوص نیز تلاش‌هایی جهت کمک به همزیستی ادیان مختلف با یکدیگر و احترام به عقاید پیروان سایر مذاهب صورت گرفته است. (قاضی‌نژاد و اکبرنیا، ۱۳۹۶: ۲۲).

با افزایش تنوع فرهنگی و مذهبی در جوامع معاصر، مطالعه رابطه بین دین‌داری و مدارای اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق می‌تواند به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و کاهش تعارضات در جامعه کمک کند. نتایج آن برای سیاست‌گذاران و مسئولان دانشگاه‌ها در تدوین برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مفید خواهد بود. همچنین، ارتقای کیفیت زندگی دانشگاهی از طریق بهبود روابط بین دانشجویان از دیگر مزایای این پژوهش است. از منظر علمی، این تحقیق به توسعه دانش و ادبیات موجود در حوزه‌های دین‌داری و مدارای اجتماعی کمک می‌کند و بستری برای تحقیقات بیشتر فراهم می‌سازد، فهم بهتر نقش دین در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی می‌تواند به کاهش تعصبات و تقویت نگرش‌های مثبت اجتماعی یاری رساند. در مجموع، این پژوهش به نیازهای جامعه در مدیریت تفاوت‌ها و ترویج فرهنگ مدارای اجتماعی پاسخ می‌دهد.

با توجه به مطالب مطرح شده، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چه رابطه‌ای بین دین‌داری و مدارای اجتماعی دانشجویان وجود دارد. به عبارت دیگر، آیا دین‌داری می‌تواند میزان مدارای اجتماعی دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد یا خیر.

ادبیات پژوهش

مبانی نظری

واژه تولرانس^۳ از ریشه لاتین تولو^۴ به معنی تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر تولو^۵، به معنی حمل کردن یا بردن و اجازه دادن است. در ترجمه این دو واژه در زبان فارسی، واژه‌های متفاوتی از جمله رواداری، مدارا،

1. Kim & Zhong

2. Karpov

3. Tolerance

4. Tolero

تحمل، تسامح، تساهل و بردباری به کار رفته است (ترکارانی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). در فرهنگ وبستر نیز از این واژه با معنای ای همچون داشتن ظرفیت تحمل درد و رنج، صبر و شکیبایی، استقامت، تحمل و خویشنداری یاد شده است (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۲).

در فرهنگ هریتیج^۲ آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف تعریف شده است. همچنین در بیانیه «اصول مدارا» که طی نشست بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ مورد تصویب دولتها قرار گرفت، مدارا چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامون مان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن (پیکت، ۱۳۹۴). بنابراین تعاریف، ماهیت مدارا این است که مردم حق دارند بر اساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعث از آن مورد قبول ما نباشد. لازمه مداراجو بودن این است که بپذیریم افراد بشر در نگرش، گفتار، رفتار و ارزش‌های‌شان متفاوت‌اند. مدارا در رفتار و کردار افراد ظاهر می‌شود (گلایی و رضایی، ۱۳۹۲: ۶۵). مدارا، اعمال نگرشی عادلانه نسبت به کسانی است که دارای افکار، اعمال، مذهب، ملیت و ... متفاوت از دیگران اند. به عبارتی مدارا نشانه‌ای از احترام گذاشتن به انسانیت است (Yusuf, 2013: 227).

مدارای عقیدتی یعنی در بیان و ترویج عقایدی متضاد همانند باور به دگر اندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی، عدم تعصب و باور به آزادی عقیده دیگران مدارا نمود. مدارای سیاسی به معنای اینکه برای افراد با عقاید مخالف و متضاد، نهادهای جهت حل و فصل تضادها در نظر گرفته شود و آن‌ها بتوانند در قالب نشریات اعتراض خود را مطرح نمایند. در تعریف مدارای هویتی، می‌توان به اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌های دیگران مانند ملیت، دین و قومیت اشاره کرد. در نهایت مدارای رفتاری مفهومی است که مدارا نسبت به رفتارهای مخالف دیگران مانند روابط جنسی، رفتار با مجرمان و عدم سختگیری نسبت به بعضی جرم‌ها در جامعه را در بر می‌گیرد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

تساهل و مدارای اجتماعی در زمره موضوعاتی هستند که از همان آغاز شکل‌گیری جامعه‌شناسی، توسط جامعه‌شناسان کلاسیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به شیوه‌های مختلف در ادبیات جامعه‌شناسی معاصر مفهوم‌پردازی شده‌اند. از منظر دورکیم، هر کجا جامعه‌ای وجود داشته باشد الزاما همبستگی نیز وجود خواهد داشت و در نتیجه دیگرخواهی نیز وجود دارد و این دیگرخواهی مبنای اساسی زندگی اجتماعی است. از نظر دورکیم، در جوامع معاصر، تفاوت و پذیرش تمایز، عاملی در استوار کردن پیوندهای اجتماعی و برقراری همبستگی اجتماعی است. از منظر ادبیات جامعه‌شناسی، همبستگی پدیده‌ای است که بر پایه آن، در سطح یک گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل به یکدیگر نیازمند هستند. واضح است که هرچه میزان این تطابق و هم‌نوازی بیشتر باشد میزان مدارای درون گروهی بیشتر خواهد بود.

مدارا به عنوان یک مفهوم چندبعدی از سوی صاحب نظران مطرح شده است. از نظر کینگ^۳ مدارای اجتماعی سه نوع مدارای هویتی، سیاسی و رفتاری را شامل می‌شود. مدارای هویتی، مربوط به هویت اجتماعی افراد دیگر و دربرگیرنده مدارا در خصوص پیروان دیگر ادیان، مدارا نسبت به مردم دیگر ملیت‌ها و مدارا با افراد دیگر قوم‌ها می‌شود یعنی شامل مدارای دینی، ملیتی و قومیتی است. مدارای سیاسی یعنی این که کشورها دارای دموکراسی موفق و سالم هستند به نحوی که از حقوق مدنی، حقوق اقلیت حمایت می‌شود. دموکراسی‌های الزاما نیازمند شهروندانی‌اند که در برابر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی دیگران مدارا داشته باشند، حتی اگر نظرهای‌شان مخالف با آنها باشد یا احساس کنند که با مشارکت آنها تهدید می‌شوند (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵۹). مدارای رفتاری شامل مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم، مدارا نسبت به مجرمان می‌شود و به معنی عدم سختگیری نسبت به برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست‌اند (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۲).

از دیدگاه والزر^۱ مدارا همانند نگرش، دارای انواع متفاوتی است. وی بیان می‌کند که مدارا یعنی اینکه گروه‌های مختلف مردم با تاریخ و فرهنگ و هویت‌های گوناگون با یکدیگر همزیستی دارند (والزر، ۲۰۰۵: ۸۳). والزر در بحث از مقولات عملی مدارا، این مفهوم را با چندین مقوله اصلی و عملی ارتباط می‌دهد که عبارت است از قدرت، طبقه، جنسیت، دین و آموزش (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵۹).

عوامل مختلفی در اتخاذ نگرش مداراجویانه یا نامتساهلانه تاثیر دارند که صورت‌های سنتی دینداری یکی از آنها است. به لحاظ نظری برخی از نظریه‌پردازان همانند دورکیم، وبر و آلپورت به نحوی به رابطه دینداری و مدارا پرداخته‌اند. دورکیم به دین نگاه کارکردگرایانه دارد و معتقد است کارکرد اساسی دین تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی می‌باشد. انسجام اجتماعی به صورت مکانیک و یا به صورت ارگانیکی باشد. انسجام اجتماعی مکانیک افراد به هنجارها و ارزش‌های جمعی اعتقاد دارند و طبق آن عمل می‌نمایند. این نوع از انسجام مختص جوامع سنتی است و دین در حفظ و تقویت آن نقش اساسی را ایفا می‌کند. جوامعی که دارای انسجام اجتماعی مکانیک می‌باشند، نظام حقوقی تنبیهی نشانه آن می‌باشد و افرادی که هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی‌کنند شدیداً تنبیه و مجازات می‌کند. بنابراین در این جوامع هنگامی که مجرمی مجازات می‌شود نه به دلیل انتقام شخصی بلکه به خاطر احترام به چیز مقدسی است که ما بعنوان یک نیروی برتر به آن اعتقاد داریم. ما در خصوص این چیز برتر در زمان و مکان مختلف تصور متفاوتی داریم. گاه فقط اندیشه ساده‌ای است مانند اخلاق، وظیفه و اغلب هم تصویری است که به شکل یک یا چند موجود مشخص مانند نیاکان و خدایان. (دورکیم، ۱۳۶۹: ۹۳). از نظر دورکیم در پی تجویز هنجارها برای وجدان جمعی از سوی مذهب، می‌بایست افراد جامعه آن هنجارها را درونی کرده و طبق آن عمل نمایند. بنابراین افرادی که دارای اعمال و عقایدی متفاوت با هنجارهای مذهبی باشند به عنوان یک تهدید کننده وجدان جمعی با مجازات روبرو خواهند شد. طبق تحلیل دورکیم، می‌توان بیان نمود که دینداران با افرادی که بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأییدشان رفتار نمی‌کنند دارای مدارای کمتری هستند.

به اعتقاد وبر، دین با مسائل و امور مختلفی از جمله با اجتماعات، اقتصاد، امور سیاسی، امور جنسی، هنر و حوزه خردورزی دارای تنش دائمی است. به دنبال موضع‌گیری دین در مقابل این امور و نشان دادن واکنش نسبت به آن‌ها که منجر به تجویز الگوی منحصر به فردی از رفتار می‌شود، از پیروان خود این انتظار را دارد از این الگو پیروی نمایند. بنابراین پیروان ادیان آمادگی کمتری برای تحمل و مدارا با رفتارهایی که مورد قبول دین آنها نیست دارند. پارسونز در این زمینه اشاره می‌کند که اخلاق دینی چنانچه وبر یادآور می‌شود بیشتر با تحمیل گرایشی که باید عمومیت یابد یا با تحمیل الگویی از کردار مشخص می‌شود (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳).

پیشینه تجربی

میرزایی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی تاثیر علل دینی و سرمایه اجتماعی بر میان مدارای اجتماعی را مورد مطالعه قرار دادند. روش این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری آن، کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در همه مقاطع بود که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب ۳۲۶ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. بر اساس نتایج، مدارای اجتماعی در جامعه هدف، متوسط ارزیابی شده (۶۱/۰۱ درصد)، همچنین دینداری (۵۳/۲۱) و سرمایه اجتماعی (۵۶/۳) نیز به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق از میانگین متوسطی برخوردار بودند. نتایج مرتبط با ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل و ابعاد آنها با متغیر وابسته یعنی مدارای اجتماعی همبستگی بالایی وجود دارد. طبق نتایج بدست آمده از رگرسیون چندگانه، مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، بعد تجربی دینداری، بعد مناسکی دینداری و بعد پیامدی دینداری، ۲۶ درصد از واریانس مدارای اجتماعی را تبیین می‌نمایند و بیشترین نقش را بعد تجربی دینداری با ضریب بتای ۰/۲۴ و اعتماد

اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۰ ایفا می‌کند. با این وجود با تقویت اعتماد اجتماعی و دینداری می‌توان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان و قشر جوان جامعه را افزایش داد.

دومهری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به دنبال بررسی مدارای اجتماعی با توجه به حضور انسان‌هایی با فرهنگ، هویت، فکر و ارزش‌های متفاوت در عرصه‌های مختلف بود که نشان داده‌اند می‌تواند عاملی اثرگذار در افزایش تعامل و ارتباط اجتماعی افراد جامعه باشد. این مقاله با استفاده از نظریه منش و میدان بوردیو، به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای اجتماعی پرداخته است. جامعه آماری شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله مازندران بوده که به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه انجام گرفته است. نتایج نشان داد بین سرمایه اجتماعی و ابعاد مدارای اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

قاضی‌نژاد و اکبرنیا (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی، در پی بررسی و ارزیابی فاصله اجتماعی میان مسیحیان و مسلمانان شهر تهران بوده است. در این تحقیق از نظریه‌های رابرتز، دورکیم و آلپورت استفاده شده است. مسلمانان و مسیحیان بالای ۱۸ ساله شهر تهران به عنوان جامعه آماری این تحقیق بوده و از روش پیمایشی استفاده شده است و ۲۰۴ نفر در تهران نیز به عنوان نمونه که به شکل خوشه‌ای جمع‌آوری گردیده، مورد مطالعه قرار گرفتند. حسب نتایج بدست آمده رابطه مستقیمی بین میزان دینداری و فاصله اجتماعی مسلمانان و مسیحیان و رابطه معکوس بین مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی وجود دارد. در مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، ۴۹ درصد تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) نسبت به بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اقدام نموده‌اند. روش این تحقیق به صورت پیمایشی بوده و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۷۷ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران بعنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. طبق نتایج این تحقیق از میان ویژگی‌های شخصیتی، فقط وظیفه‌شناسی نقش تبیین‌کنندگی مدارای اجتماعی را داشته است. در مورد تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر ابعاد مدارای اجتماعی، وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری تبیین‌کننده مدارای رفتاری، توافق‌پذیری تبیین‌کننده مدارای عقیدتی، ویژگی بازبودن و برون‌گرایی تبیین‌کننده مدارای هویتی و همچنین وظیفه‌شناسی، توافق‌پذیری و باز بودن تبیین‌کننده مدارای سیاسی هستند.

ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۱) در یک مطالعه‌ای تحت عنوان مدارای اجتماعی و ابعاد آن، وضعیت مدارا در جامعه مورد بررسی و شناسایی ابعاد و میزان آن بین ساکنان اصفهان مورد تحلیل قرار دادند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقلی همچون سن، درآمد، جامعه‌پذیری قومی، وضعیت تاهل و سرمایه فرهنگی با متغیر وابسته مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین مشخص شد که هرچه فرد تعلق بیشتری به ابعاد قومیتی خود داشته باشد یا جامعه‌پذیری شدیدتری را تجربه کرده باشد مدارای اجتماعی او در زمینه‌های مختلف کمتر می‌باشد به عبارتی بین دو متغیر جامعه‌پذیری قومی با مدارای اجتماعی رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد.

سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی نسبت به بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی اقدام نموده‌اند و در صدد مطالعه تاثیر میزان دینداری در ابعاد و مؤلفه‌های مختلف مدارا بودند. روش این بررسی به پیمایشی بوده و دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی بعنوان جامعه آماری آن انتخاب شده‌اند. طبق نتایج این تحقیق رابطه بسیط و قاطعی بین دینداری و مدارا بدست نیامد. لذا مطرح کردن اظهار یکسویه و قاطع در رابطه با مدارا جو بودن و یا عدم مدارای دینداران نباید صورت بگیرد.

تحقیق برگرن و نیلسون (۲۰۱۳) مبنی بر تجزیه و تحلیل ۶۵ کشور حکایت از وجود رابطه مثبت و مستقیم بین آزادی اقتصادی و مدارا نسبت به همجنسگرایان، دارد؛ بدین نحو که در صورت افزایش آزادی اقتصادی، مدارا نسبت به همجنسگرایان هم افزایش پیدا می‌کند. این تحقیق نشان داد که ارتباط معناداری بین سیاست پولی باثبات در جامعه با میزان مدارا وجود دارد. همچنین با افزایش میزان اعتماد اجتماعی رابطه بین آزادی اقتصادی و مدارا تقویت می‌یابد بدین معنی که اعتماد اجتماعی نقشی را به عنوان مکانیسمی مؤثر در رابطه بین آزادی اقتصادی و مدارا ایفا می‌کند.

براساس پیشینه‌ی پژوهش مدل نظری فرضیه‌های پژوهش را می‌توان به این شکل مطرح کرد:

(۱) به نظر می‌رسد بین دین داری و مدارای اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز رابطه معناداری وجود دارد.

(۲) به نظر می‌رسد بین دین داری و ابعاد هفتگانه مدارای اجتماعی (شامل مدارای عقیدتی، مدارای مذهبی، مدارای قومیتی، مدارای ملیتی، مدارای جنسیتی، مدارای رفتاری، مدارای اخلاقی) دانشجویان دانشگاه تبریز رابطه معناداری وجود دارد.

(۳) به نظر می‌رسد مدارای اجتماعی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات) تفاوت معناداری دارد.

روش‌شناسی

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، روش مورد استفاده در تحقیق حاضر، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه تبریز هستند که تعداد آنها در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۴۰۰۰ نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که بر اساس آن ۱۷۲ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است،

$$n = \frac{N t^2 s^2}{N d^2 + t^2 s^2}$$

$$n = \frac{24000 \times 3.8416 \times 0.25}{24000 \times 0.0055 + 3.8416 \times 0.25} = 172$$

بعد از مشخص شدن حجم نمونه، از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی برای توزیع پرسشنامه‌ها و گردآوری داده‌ها استفاده شد. بدین ترتیب که تعداد دانشجویان به نسبت دانشکده‌ها استخراج گردید و سپس متناسب با حجم هر دانشکده، تعداد نمونه‌های مورد نیاز به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد مدارای اجتماعی و دینداری بوده و پرسشنامه نیز به صورت حضوری و با مراجعه به دانشجویان در هر دانشکده، تکمیل گردیده است. با توجه به اینکه مقیاس‌های مورد استفاده استاندارد بوده، بنابراین، در تحقیقات پیشین اعتبار آنها بررسی قرار گرفته و تایید شده است. همچنین، از آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی گویه‌های تحقیق استفاده شده است و نتایج به دست آمده نشان داد که میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برای هر دو متغیر مدارای اجتماعی و دینداری و ابعاد آنها بالاتر از ۰/۷ بوده و بنابراین هر دو متغیر و ابعاد آنها از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند.

تعریف مفهومی و عملیاتی و اعتبار و پایایی متغیرهای پژوهش

مدارای اجتماعی: پیتز کینگ^۱ مفهوم مدارا را به چهار نوع مدارای هویتی، مدارای فکری عقیدتی، مدارای رفتاری و مدارای سازمانی تقسیم می‌کند. در این پژوهش از سه نوع اول برای تبیین مدارای اجتماعی استفاده شده است. به عقیده کینگ مدارای هویتی یعنی اعمال مدارا در مورد ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که خود شامل مدارا در مورد هویت‌های متفاوت از جمله ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون، قومیت‌های متفاوت، جنسیت‌ها، نژادها، طایفه‌ها و زبان‌های مختلف می‌شود، مدارای رفتاری به معنای توجه به رویکردهایی که عقاید مختلف مخالف دارند و در نظر گرفتن حق اعتراض است. مدارای رفتاری به معنای سختگیری در مورد برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست‌اند و شامل سه نوع است مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا در مورد جرم و مدارا با مجرمان (پیری و نیازی؛ ۱۴۰۰: ۹).

دینداری: دینداری عبارت است از مجموعه شناخت‌ها، احساس و تمایلات مثبت نسبت به دین که در وضعیت عادی و طبیعی اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد. در کنش‌های وی نسبت به نیروی جذاب خداوند، جهان، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد. همچنین در تعریفی دیگر دینداری، یعنی داشتن اهتمام دینی به طوری که نگرش، گرایش و کنش‌های

1. Peter King

فرد را متأثر کند. نوع و جهت این تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند. پس کشف و شناسایی آن مستلزم مطالعه دینی است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱). زیمیل اعتقاد دارد دینداری بر احساس دینی مبتنی است و عبارت است از صورت و شکلی که حساس دینی به خود می‌گیرد (ارجمند و همکاران؛ ۱۳۸۹: ۷۴). شاخص‌سازی متغیر میزان دینداری بر اساس مدل گلاک و استارک انجام گرفته است. گلاک و استارک در کتاب ماهیت تعهد مذهبی اذعان کردند؛ با وجود تفاوت‌ها در ادیان می‌توان وجوه اشتراکی را بین آنها یافت. بین وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند که عبارتند از ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶).

یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات به دست آمده ۹۹ نفر (۵۷/۶ درصد) از کل پاسخگویان مرد و ۷۳ نفر (۴۲/۴ درصد) زن هستند. میانگین پاسخگویان ۲۲/۶۷ سال بود. ۹۱/۹ درصد (۱۵۸ نفر) پاسخگویان مجرد و ۸/۱ درصد (۱۴ نفر) متاهل‌اند. بیشترین تعداد فراوانی مربوط به پاسخگویان دارای سطح تحصیلات کارشناسی با ۱۴۲ نفر (۸۲/۶ درصد) است و بعد از آن پاسخگویان با سطح تحصیلات فوق لیسانس با ۲۸ نفر (۱۶/۳ درصد) بیشترین فراوانی را دارند. کمترین فراوانی هم مربوط به پاسخگویان دارای تحصیلات دکترا با ۲ نفر (۱/۲ درصد) می‌باشد.

متغیر مدارای اجتماعی متشکل از ۷ بعد اعتقادی، مذهبی، قومیتی، ملیتی، جنسیتی، رفتاری و اخلاقی با ۱۷ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. تمامی گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت در یک پیوستار ۵ قسمتی (خیلی کم، کم، نه کم نه زیاد، زیاد، خیلی زیاد) طراحی و با کدهای ۱ تا ۵ ارزش‌گذاری شده است. براساس یافته‌های تحقیق، میانگین این متغیر برای پاسخگویان در دامنه ۲۸ تا ۹۶ برابر با ۵۷/۴۰ به دست آمده است که بیشتر از میانگین محدوده تعریف شده است و معادل ۵۹/۷۹ درصد این مقیاس است؛ این نتیجه نشان می‌دهد، مدارای اجتماعی از نظر دانشجویان دانشگاه تبریز حدود ۶۰ درصد برآورد شده است. بررسی آماره‌های توصیفی مربوط به ابعاد مدارای اجتماعی نشان می‌دهد که بعد مدارای جنسیتی با ۷۹/۸۸ درصد دارای بیشترین میانگین درصدی و بعد مدارای مذهبی با ۶۰/۲۰ حائز پایین‌ترین میانگین درصدی در میان ابعاد هفتگانه متغیر مدارای اجتماعی بوده است.

متغیر دینداری متشکل از ۴ بعد (اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی) است که با استفاده از پرسشنامه استاندارد گلاک و استارک اندازه‌گیری شده است. به این منظور از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً مخالف، مخالف، بینابین، موافق، کاملاً موافق) برای سنجش متغیر استفاده شده که در پرسشنامه با کدهای ۱ تا ۵ ارزش‌گذاری شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش میانگین این متغیر برای پاسخگویان در دامنه ۴۵ تا ۱۱۵ برابر با ۷۵/۵۴ به دست آمد که معادل ۶۵/۶۹ درصد این مقیاس است؛ و نشان می‌دهد میزان دینداری دانشجویان دانشگاه تبریز خیلی بالاتر از میانگین مورد نظر می‌باشد. در میان ابعاد چهارگانه دینداری، بعد اعتقادی دارای پایین‌ترین میانگین و بعد پیامدی حائز بالاترین میانگین بوده است.

جدول شماره ۱: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق و ابعاد آن

متغیر	تعداد گویه	دامنه تغییرات	میانگین	میانگین درصدی	وضعیت پاسخگویان
مدارای اجتماعی	۱۷	۲۸-۹۶	۵۷/۴۰	۵۹/۷۹	کم - نه کم نه زیاد
مدارای اعتقادی	۲	۲-۱۰	۷/۱۴	۷۱/۴۰	نه کم نه زیاد - زیاد
مدارای مذهبی	۳	۳-۱۵	۹/۰۳	۶۰/۲۰	نه کم نه زیاد - زیاد
مدارای قومیتی	۳	۳-۱۴	۹/۷۷	۶۹/۷۸	نه کم نه زیاد - زیاد
مدارای ملیتی	۳	۳-۱۵	۱۰/۰۱	۶۶/۷۳	نه کم نه زیاد - زیاد
مدارای جنسیتی	۲	۲-۹	۷/۱۹	۷۹/۸۸	نه کم نه زیاد - زیاد
مدارای رفتاری	۲	۲-۱۰	۷/۲۵	۷۲/۵۰	نه کم نه زیاد - زیاد
مدارای اخلاقی	۲	۲-۱۰	۷/۰۰	۷۰/۰۰	نه کم نه زیاد - زیاد
دینداری	۲۶	۴۵-۱۱۵	۷۵/۵۴	۶۵/۶۹	بینابین - موافق
بعد اعتقادی	۷	۷-۳۵	۱۹/۷۷	۵۶/۴۸	مخالف - بینابین

بعد مناسکی	۷	۷-۳۱	۱۸/۴۳	۵۹/۴۵	مخالف - بینابین
بعد عاطفی	۶	۸-۲۵	۱۵/۷۴	۶۲/۹۶	بینابین - موافق
بعد پیامدی	۶	۶-۲۵	۲۱/۷۱	۸۶/۸۴	موافق - خیلی موافق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و کشف رابطه بین متغیرهای مدارای اجتماعی و دینداری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس یافته‌های به دست آمده مندرج در جدول شماره ۲، نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین مدارای اجتماعی و دینداری دانشجویان وجود دارد. میزان همبستگی به دست آمده ۰/۲۲۵ به دست آمده که نشان دهنده همبستگی نسبتاً ضعیف بین دو متغیر است و با افزایش میزان دینداری دانشجویان، میزان مدارای اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد.

نتایج بررسی آزمون رابطه بین ابعاد هفتگانه مدارای اجتماعی با متغیر دینداری نشان می‌دهد که بعد مدارای اعتقادی نیز همبستگی مثبت و معنی‌داری با دینداری دانشجویان دارد (۰/۲۶۲). این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش دینداری، مدارای اعتقادی نیز تمایل به افزایش دارد و این رابطه به صورت معناداری قابل توجه است. هرچند که این رابطه بسیار قوی نیست، اما معناداری آماری نشان‌دهنده وجود یک رابطه قابل توجه بین این دو متغیر است. بررسی رابطه بین مدارای مذهبی و دینداری نیز نشان دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار (۰/۱۹۹) بین این دو متغیر می‌باشد. و با افزایش دینداری، مدارای مذهبی دانشجویان نیز به همان میزان افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین دینداری و مدارای قومیتی نشان می‌دهد که بین مدارای قومیتی و دینداری هیچ رابطه خطی معنی‌داری وجود ندارد (۰/۲۰۴) و همبستگی بین این دو متغیر (۰/۰۹۸) به واسطه خطای نمونه‌گیری و ناشی از اتفاق بوده است. همچنین بین مدارای ملیتی و دینداری دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری (۰/۲۴۴) وجود دارد و با افزایش یا کاهش دینداری دانشجویان، مدارای ملیتی دانشجویان نیز به همان میزان افزایش یا کاهش پیدا می‌کند. به منظور بررسی رابطه بین دینداری و مدارای جنسیتی نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که رابطه منفی و معکوس (۰/۱۲۶-) بین این دو متغیر وجود دارد لیکن این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار نیست (۰/۱۰۰) و وجود همبستگی حداقلی بین این دو متغیر می‌تواند ناشی از تغییرات داده‌ها و خطاهای پیش‌بینی نشده باشد. همچنین، رابطه بین مدارای رفتاری و دینداری با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت و نتایج به دست آمده نشان داد که همبستگی متوسطی (۰/۲۸۵) بین این دو متغیر وجود دارد و این همبستگی به لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. یعنی هر چه قدر میزان دینداری دانشجویان بیشتر می‌شود مدارای رفتاری آنان نیز افزایش پیدا می‌کند. بررسی رابطه بین دینداری و مدارای اخلاقی نیز نشان داد که همبستگی معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد و نمی‌توان تغییرات این دو متغیر را نسبت به هم پیش‌بینی کرد.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون همبستگی مدارای اجتماعی و ابعاد آن و دینداری

متغیر	دینداری	
مدارای اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۲۵
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۳
مدارای اعتقادی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۶۲
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱
مدارای مذهبی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۹۹
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۹
مدارای قومیتی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۹۸
	سطح معنی‌داری	۰/۲۰۴
مدارای ملیتی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۴۴
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱
مدارای جنسیتی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۲۶

۰/۱۰۰	سطح معنی‌داری	
۰/۲۸۵	ضریب همبستگی پیرسون	مدارای رفتاری
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۰/۰۵۴	ضریب همبستگی پیرسون	مدارای اخلاقی
۰/۴۷۹	سطح معنی‌داری	

برای آزمون تفاوت مدارای اجتماعی بر حسب جنسیت از آزمون تی استفاده شد. چنانچه یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، میزان مدارای اجتماعی دانشجویان بر حسب جنسیت آنها تفاوت معناداری ندارد. همچنین، بررسی تفاوت مدارای اجتماعی به تفکیک وضعیت تأهل نشان می‌دهد با وجود اینکه میانگین نمرات متغیر وابسته برای دانشجویان مجرد و متأهل متفاوت است، لیکن تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنادار نیست و این به این معنی است که تفاوتی بین دانشجویان مجرد و متأهل در میزان مدارای اجتماعی آنان وجود ندارد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون t مدارای اجتماعی بر حسب جنسیت و وضعیت تاهل

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
مدارای اجتماعی	مرد	۹۹	۵۷/۲۹	-۰/۱۳۶	۱۷۰	۰/۸۹۲
	زن	۷۳	۵۷/۵۴			
	مجرد	۱۵۸	۵۷/۶۶	۰/۹۵۶	۱۷۰	۰/۳۴۰
	متاهل	۱۴	۵۴/۵۰			

برای آزمون ارتباط بین سن دانشجویان با متغیر مدارای اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سن دانشجویان با متغیر مدارای اجتماعی همبستگی معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون همبستگی بین مدارای اجتماعی و سن

متغیر	سن
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۵۷
سطح معنی‌داری	۰/۴۵۵
تعداد مشاهدات	۱۷۲

برای بررسی تفاوت دینداری دانشجویان بر حسب سطح تحصیلات از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است، یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین مدارای اجتماعی دانشجویان بر حسب تحصیلات آنها تفاوت معناداری با همدیگر ندارند.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس مدارای اجتماعی بر اساس سطح تحصیلات

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
$\sum_{i=1}^k \frac{f_i^2}{n_i}$ $\frac{1}{n} \sum_{i=1}^k f_i^2$	بین گروهی	۴۲۱/۵۵۳	۲	۲۱۰/۷۷۷	۱/۵۰۹	۰/۲۲۴
	درون گروهی	۲۳۶۰۶/۶۱۴	۱۶۹	۱۳۹/۶۸۴		
	کل	۲۴۰۲۸/۱۶۷	۱۷۱			

تحلیل رگرسیونی تأثیر ابعاد دینداری بر مدارای اجتماعی دانشجویان

به منظور بررسی میزان تأثیر چهار بعد دینداری بر مدارای اجتماعی از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره طبق روش حداقل مربعات و از روش گام به گام استفاده گردیده است. در روش گام به گام وارد شدن متغیرها به تحلیل رگرسیونی در اختیار محقق

نیست و اولین متغیر پیش بین براساس بالاترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته وارد تحلیل رگرسیونی می‌شود و سپس سایر متغیرهای پیش بینی کننده برحسب میزان همبستگی جزئی یا نیمه جزئی در تحلیل وارد می‌شوند.

به منظور تحلیل رگرسیون باید به پیش فرض‌های آن توجه کرد یکی از پیش فرض‌های اساسی مبنی بر مستقل بودن خطاها یا باقیمانده خطاها از یکدیگر است. به عبارت دیگر باید همبستگی میان خطاهای ممکن اندازه‌گیری شود. تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته وجود نداشته باشد، این امر به کمک آزمون دوربین واتسون صورت گرفته است. پیش فرض دیگر تحلیل رگرسیونی این است که توزیع نرمال مقادیر ضرایب محاسبه شده باید مربوط به توزیع آن‌ها به صورت خطی باشد این کار به کمک رسم نمودار انجام شده است. پیش فرض دیگر برای انجام تحلیل رگرسیونی نبود هم خطی چندگانه در مدل رگرسیونی است. نبود هم خطی دلالت بر این موضوع دارد که میان متغیرهای مستقل همبستگی وجود ندارد. به این منظور میزان ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل نباید بیش از ۷ درصد باشد.

در مدل رگرسیونی حاضر ابعاد چهارگانه دینداری وارد معادله رگرسیونی شده است. نتایج به دست آمده نشانگر آن است از میان ابعاد چهارگانه دینداری که وارد معادله شده‌اند، تنها بعد اعتقادی در مدل نهایی باقی مانده است. ضریب همبستگی چندگانه برای این مدل رگرسیونی $0/432$ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین معادله رگرسیونی $0/186$ و ضریب تبیین تعدیل شده $0/151$ است. در نتیجه، این چهار متغیر در مجموع حدود ۱۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۶، ملاحظه می‌شود که متغیر مدارای اجتماعی بیش از هر چیز از بعد اعتقادی دینداری تاثیر می‌پذیرد. بدین ترتیب که بعد اعتقادی دینداری با بتای $0/220$ در مدارای اجتماعی دانشجویان موثر بوده است.

جدول شماره ۶: آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره مدارای اجتماعی

متغیر	Beta	T	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی چندگانه	$0/432$
عرض از مبدا	---	$7/922$	$0/000$	ضریب تبیین	$0/186$
بعد اعتقادی	$0/220$	$2/063$	$0/041$	ضریب تبیین تصحیح شده	$0/151$
بعد مناسکی	$-0/013$	$-0/121$	$0/903$	کمیت دوربین واتسون	$2/019$
بعد عاطفی	$0/008$	$-0/109$	$0/913$	کمیت F	$2/697$
بعد پیامدی	$0/0555$	600	$0/549$	سطح معناداری	$0/033$

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی مدارای اجتماعی و ابعاد آن بر دینداری دانشجویان انجام شده است. نتایج یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد که میانگین مدارای اجتماعی برای پاسخگویان در دامنه ۲۸ تا ۹۶، $57/40$ به دست آمده است که بیشتر از میانگین دامنه تعریف شده است و معادل $59/79$ درصد بیشترین نمره قابل اکتساب در این مقیاس است؛ این نتیجه نشان می‌دهد، مدارای اجتماعی از نظر دانشجویان دانشگاه تبریز حدود ۶۰ درصد برآورد شده است و این با پژوهش میرزایی و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی دارد که مدارای اجتماعی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد $61/01$ برآورد کرده بود. اصولاً در محیط دانشگاهی که متشکل از فرهنگ‌ها و قومیت‌ها و زمینه‌های اجتماعی متعدد است داشتن روشی مداراجویانه یک ضرورت کارکردی در عصر جدید است؛ از آنجاکه گستردگی ارتباطات و جهانی شدن نیز موجب نزدیک شدن بسیاری از گروه‌ها به یکدیگر می‌شود باید گفت تحمل و مدارا به طور بالقوه یک الزام برای زندگی اجتماعی و همزیستی محسوب می‌شود. بررسی آماره‌های توصیفی مربوط به ابعاد مدارای اجتماعی نشان می‌دهد که بعد مدارای جنسیتی با میزان $79/88$ درصد دارای بیشترین میانگین درصدی و بعد مدارای مذهبی با $60/20$ حائز پایین‌ترین میانگین درصدی در میان ابعاد هفتگانه متغیر مدارای اجتماعی بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش میانگین متغیر دینداری برای پاسخگویان عددی

۷۵/۵۴ درصد به دست آمد که نشان می‌دهد میزان دینداری دانشجویان دانشگاه تبریز خیلی بالاتر از میانگین مورد نظر می‌باشد. در میان ابعاد چهارگانه دینداری بعد اعتقادی دارای پایین‌ترین میانگین و بعد پیامدی حائز بالاترین میانگین بوده است.

نتایج بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که، همبستگی مثبت و معنی‌داری بین مدارای اجتماعی و دینداری دانشجویان وجود دارد. میزان همبستگی به دست آمده ۰/۲۲۵ به دست آمده که نشان دهنده آن است که با افزایش میزان دینداری دانشجویان، میزان مدارای اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد. این یافته با یافته‌های پژوهش میرزایی و همکاران (۱۴۰۲)، سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳)، شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، ترکاری (۱۳۸۹) همسو بوده است. در تحلیل این یافته می‌توان بیان کرد که بر اساس نظر رابرتز، دین در ایجاد حس هویت نقش مهمی دارد. حس تعلق دینی اغلب بر فهم افراد از هویت‌شان تاثیر می‌گذارد و آنها را به سمت مدارای اجتماعی بیشتر هدایت می‌کند. همچنین دین، باعث کاهش فاصله اجتماعی در میان پیروان یک دین می‌شود و این امر نیز می‌تواند مدارای اجتماعی را تقویت کند. به همان میزانی که افراد نسبت به انجام اعمال دینی مصمم‌تر بوده و به ارزش‌های دینی، اعتقاد راسخ‌تری داشته و از مهارت‌های اجتماعی بهتری در خصوص مدارای اجتماعی برخوردار بوده‌اند. همچنین به میزانی که افراد به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته و در شبکه‌های اجتماعی از فعالیت بیشتری برخوردارند، مدارای اجتماعی بیشتری دارند (قاضی‌نژاد و اکبرنیا، ۱۳۹۶). نتایج بررسی آزمون رابطه بین ابعاد مدارای اجتماعی با متغیر دینداری نشان می‌دهد که ابعاد مدارای اعتقادی، مدارای مذهبی، مدارای ملیتی و مدارای رفتاری همبستگی مثبت و معنی‌داری با دینداری دانشجویان داشته است لیکن ابعاد مدارای قومیتی، جنسیتی و اخلاقی رابطه معنی‌داری با مدارای اجتماعی دانشجویان نداشته‌اند. مدارای اعتقادی بیشتر ناظر بر بعد ذهنی مدارای اجتماعی است و این امر باعث می‌شود افراد دیندار در این حوزه هم‌نمایی بیشتری داشته باشند. مدارای ملیتی بر خلاف مدارای قومیتی رابطه معنی‌داری با دینداری نداشته است و این حاکی از آن است که افراد دیندار نگاه ملی و نه قومیتی در مدارای اجتماعی داشته‌اند و نسبت به امور کلی اهتمام بیشتری دارند تا نسبت به مسائل قومیتی. همچنین در میان دانشجویان دانشگاه تبریز افراد دیندار هیچ گونه تمایلی نسبت به مدارای جنسیتی نداشتند و این به این معنی است که دین به حوزه جنسی توجه و جدیت بیشتری دارد و افراد دیندار مدارای جنسیتی زیادی از خود بروز نمی‌دهند.

نتایج بررسی مدل رگرسیون نشان داد که حدود ۱۸ درصد از تغییرات مدارای اجتماعی توسط بعد اعتقادی دینداری تبیین می‌شود. بعد اعتقادی دینداری چنانچه ذکر شد با بعد مدارای اعتقادی همبستگی بالایی داشته و بهتر می‌تواند تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین کند. مدارای اعتقادی در واقع مدارا نسبت به وجود یا بیان و یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل، مثل باور به دگراندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی، عدم تعصب و باور به آزادی عقیده دیگران دانست (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۲). و این با بعد اعتقادی دینداری بهتر می‌تواند رابطه مستقیمی داشته باشد. با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

با توجه به اینکه بعد اعتقادی دینداری همبستگی بالایی با مدارای اجتماعی دارد بنابراین، با تقویت بعد اعتقادی دینداری در بین دانشجویان می‌توان سطح مدارای اجتماعی دانشجویان را ارتقا داد. و این امر از طریق ارائه آموزه‌های دینی و فرهنگی در قالب دوره‌های آموزشی به دانشجویان میسر خواهد بود.

طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی که سایر ابعاد دینداری مثل بعد مناسکی و عاطفی و پیامدی را نشانه می‌گیرند می‌تواند در ارتقای مدارای اجتماعی تاثیر داشته باشد. هرچند که این تاثیر در این پژوهش بررسی نشده است ولی بهبود بعد رفتاری دینداری نیز می‌تواند ابعاد رفتاری مدارای اجتماعی را تقویت کند.

ارائه برنامه‌های پشتیبانی و مشاوره برای دانشجویان به منظور ارتقاء دینداری و بهبود کیفیت زندگی دینی. این می‌تواند شامل مشاوره‌های خانوادگی و برنامه‌های تقویت ارتباطات اجتماعی باشد.

همچنین پیشنهاد می‌شود برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین دینداری و مدارای اجتماعی، انجام تحقیقات عمیق‌تر و با نمونه‌های بزرگ‌تر انجام بگیرد. این می‌تواند شامل بررسی تاثیر سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر مدارای اجتماعی باشد.

با توجه به اینکه دین و فرهنگ اشتراکات زیادی با هم دارند پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته و مصاحبه‌های عمیق، نقش و جایگاه بسترها و زمینه‌های فرهنگی مرتبط با دین در ارتقای مدارای اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرد.

منابع

- ادیبی سده، م.؛ رستگار، ی.؛ بهشتی، س. (۱۳۹۲). مدارای اجتماعی و ابعاد آن، **رفاه اجتماعی**، ۱۳ (۵۰): ۳۷۶-۳۵۳.
- افرا، ه. (۱۴۰۱). مدارای اجتماعی در جامعه فردگرا: مطالعه تأثیر فردگرایی بر مدارای اجتماعی جوانان در شهر بجنورد، **تحقیقات فرهنگی ایران**، ۵ (۱)، ۴۳-۶۸. doi: 10.22035/jicr.2022.2832.3202
- بیاتی، پ.؛ جهانبخش، ا.؛ بهیان، ش. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران. **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، ۹ (۲)، ۱۷-۳۹. doi: 10.22059/ijsp.2018.68618
- پیکت، ج. (۱۳۹۴). **فرهنگ علمی امریکن هریتیج**، ترجمه محمدرضا افضل‌ی و مجید ملکان، تهران: نشر نی.
- پیری، ح.؛ نیازی، م. (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات نسبت اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی در ایران. **اسلام و مطالعات اجتماعی**، ۱۹ (۱)، ۱۵۰-۱۷۷. doi: 10.22081/jiss.2021.59385.1729
- ترکارانی، م. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان، **تحقیقات علوم اجتماعی ایران**، ۱ (۳)، ۱۳۵-۱۵۷.
- جلالیان بخشنده، و.؛ قاسمی، و.؛ ایمان، م. (۱۳۹۷). تدوین و سنجش‌پذیری مقیاس مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساخت‌یابی گیدنز. **پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر**، ۷ (۱۲)، ۱۳۵-۱۶۰. doi: 10.22084/csr.2018.14206.1357
- حسین‌زاده، ع.؛ زالی‌زاده، م.؛ زالی‌زاده، م. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). **جامعه‌شناسی کاربردی**، ۲۶ (۴)، ۱۴۹-۱۶۴.
- دومهری، م.؛ بهیان، ش.؛ جهانبخش، ا. (۱۳۹۸). مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۵ تا ۴۴ سال استان مازندران). **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، ۲۰ (۴۷)، ۱۴۱-۱۶۴. doi: 10.22083/jccs.2019.147231.2550
- سراج‌زاده، س.؛ شریعتی مزینانی، س.؛ سیروس، ص. (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی. **علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد**، ۱ (۴)، ۱۰۹-۱۴۲. doi: 10.22067/jss.v0i0.3092
- شارع‌پور، م.؛ آزادارمکی، ت.؛ عسکری، ع. (۱۳۸۷). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبائی. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، ۱۰ (۱)، ۶۴-۹۸.
- طالبی، م.؛ شجاع، م. (۱۳۹۹). مدارای اجتماعی و ابعاد گوناگون آن، **فصلنامه دانش تفسیر سیاسی**، ۲ (۴)، ۸۰-۱۰۳.
- قاضی نژاد، م.؛ اکبرنیا، ا. (۱۳۹۶). دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران). **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، ۶ (۱)، ۲۱-۴۰. doi: 10.22059/jisr.2017.61829
- گلایی، ف.؛ علیزاده اقدم؛ م.؛ آقایی هیر، ت.؛ زردموی اردکلو، ش. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی با سازه مدارا در بین شهروندان شهر مشهد. **جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، ۱۰ (۲)، ۲۷-۶۴. doi: 10.22034/jeds.2021.40331.1420
- گلایی، ف.؛ و رضایی؛ ا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان، **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، ۲ (۱)، ۶۱-۸۶. doi: 10.22059/jisr.2013.36577
- میرزائی، م.؛ میرزایی، ح.؛ آوریده، س.؛ شه‌پوری، ه. (۱۴۰۲). مطالعه تأثیر علل دینی و سرمایه اجتماعی بر میزان مدارای اجتماعی. **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، ۱۳ (۴۶)، ۱۶۵-۱۹۱. doi: 10.22034/ciu.2023.46.165
- موسوی، س.؛ سپهوند، ر.؛ جعفری، س.؛ و جعفری، ا. (۱۳۹۷). بررسی نقش دینداری در اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان. **مدیریت سرمایه اجتماعی**، ۵ (۴)، ۶۲۹-۶۴۹. doi: 10.22059/jscm.2019.265514.1682
- Adibi sedeh M, Rastegar Y, Beheshty S S. (2014). Social Tolerance and Its Components. *refahj*. 13(50), 353-0. URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1366-fa.html> (in Persian).
- Afra, H. (2022). Social tolerance in an individualistic society: Studying the effect of individualism on social tolerance of young people in Bojnord. *Journal of Iranian Cultural Research*, 15(1), 43-68. <http://doi:10.22035/jicr.2022.2832.3202> (in Persian).

- Bayaty, P., Jahanbakhsh, I. and Bahian, S. (2018). Sociological Explanation of Challenges and Opportunities Related to Social Tolerance of Tehran Citizens. *Journal of Social Problems of Iran*, 9(2), 17-39. <http://doi:10.22059/jjsp.2018.68618> (in Persian).
- Berggren, N. & T. Nilsson (2013). "Does economic freedom foster tolerance? *Kyklos*, 66(2): 177-207.
- Domehri, M., Behyan, S. and Jahanbakhsh, E. (2019). Relationship between Social Capital and Social Tolerance (Case Study: Citizens 15 to 44 years old in Mazandaran province). *Journal of Culture-Communication Studies*, 20(47), 141-164. <http://doi:10.22083/jccs.2019.147231.2550> (in Persian).
- Golabi, F., Alizadeh Aghdam, M. B., Aghayari hir, T. and Zardmou Ordaklou, S. (2021). Investigating the relationship between economic capital and structure of tolerance among the citizens of Mashhad. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 10(2), 27-64. <http://doi:10.22034/jeds.2021.40331.1420> (in Persian).
- Golabi, F. and Rezayi, A. (2013). The Impact of social participation on social tolerance. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 2(1), 61-86. <http://doi:10.22059/jisr.2013.36577> (in Persian).
- Jalaeian Bakhshande, V., Ghasemi, V. and Iman, M. T. (2018). The development and measurability of social tolerance scale based on structuration theory of Giddens in Isfahan. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 7(12), 135-160. <http://doi:10.22084/csr.2018.14206.1357> (in Persian).
- Kim Jung hyoun, Zhong Yang (2010), **Religion and Political Tolerance in south korea**, East Asia, 27: 187-203.
- King, P. (1976). **Tolerance**, London: Geore Allen & Unwin.
- Robinson, J., Witenberg, R. T. and Sanson, A. (2001). **The socialization of tolerance**. In M. Augoustinos & K. J. Reynolds (Eds.), *Understanding prejudice, racism, and social conflict* (pp. 73-88). Guildford, Surrey: Biddles.
- Mirzaie, M., mirzaei, H., avarideh, S. and shahpoury, H. (2023). The effect of religious causes and social capital on the level of social tolerance. *Culture in Islamic University*, 13(46), 165-191. <http://doi:10.22034/ciu.2023.46.165> (in Persian).
- Mousavi, S. N., Sepahvand, R., Jafari, S. and Jafari, A. (2018). Investigating the Role of Religiosity in Trust and Social Participation of Students of Lorestan University. *Social Capital Management*, 5(4), 629-649. <http://doi:10.22059/jscm.2019.265514.1682> (in Persian).
- Phelps, E., (2004) **White Students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism**, Dissertation, Department of Sociology, New YorkUniversity.
- Walzer, M. (2005). **About the Tolerance**. Translator Saleh Najafi. Tehran: Publication Headband
- Pickett, J. P. (2015). **American Heritage Scientific Dictionary**, translated by Mohammad Reza Afzali and Majid Malekan, Tehran: Ney Publishing. (in Persian).
- Piri, H. and Niazi, M. (2021). A Meta-analysis of Studies on the Relationship between Social Trust and Social Tolerance in Iran. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(33), 150-177. <http://doi:10.22081/jiss.2021.59385.1729> (in Persian).
- Qazinejad, M. and Akbari, E. S. (2017). Religiosity: Social tolerance or social distance (Survey among Christians and Muslims of Tehran). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 6(1), 21-40. <http://doi:10.22059/jisr.2017.61829> (in Persian).
- Sarajzadeh, S. H., DR.Shariati Mazinani, S. and Saber, S. (2004). Relationship between degrees and types of religiosity and social tolerance. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 1(4), -. <http://doi:10.22067/jss.v0i0.3092> (in Persian).
- Sharepour, M., Azaddarmaki, T. and Askari, A. (2009). Investigate the relationship between social capital and tolerance among students of the schools of social sciences universities in Tehran and Allameh Tabatabaei. *Iranian Journal of Sociology*, 10(1), 64-98. (in Persian).
- Talebi, Mohammad Ali, Shoja, Mehdi (2019), Social Tolerance and Its Various Dimensions, *Quarterly Journal of Political Interpretation Knowledge*, 2(4), 80-103. (in Persian).
- Torkarani, Mojtaba (2010), Survey and assessment of the status of social tolerance in Lorestan, *Iranian Social Science Research*, 1(3), 135-157 (in persian)
- Van der Noll, J., Poppe, E. and Verkuyten, M (2010). "Political tolerance and prejudice: Differential Reactions toward Muslims in the Netherlands". *Basic and Applied Social Psychology*. No. 32(1): 46-56.
- Yusuf, H.O. (2013). "Promoting peaceful co-existence and religious tolerance through supplementary readers and reading comprehension passages in basic education curriculum". *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(8): 224-232.
- ZaliZadeh, M., HosseinZadeh, A. H. and ZaliZadeh, M. (2015). The Study of Sociological Aspects of Social Tolerance with Emphasis on Personality Traits. *Journal of Applied Sociology*, 26(4), 149-164. (in Persian).



شعبه‌شناسی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Investigating the Relationship between Social Tolerance and Religiosity among Students at the University of Tabriz

Saeed Soltani Bahram^{1*}  | Zahra Hemmati²  | Mehdi Shafiei Zazli³ 

1. Corresponding Author*, Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities & Literature, Urmia University, Urmia, Iran, Email: s.soltani@urmia.ac.ir
2. M.A. student of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities & Literature, Urmia University, Urmia, Iran, Email: hemmatizahra454@gmail.com
3. M.A. in Sociology, Department of Sociology, Faculty of law & Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran, Email: mehdishafeiy6@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 13 February 2025

Accepted: 20 July 2025

Published: August, 2025

Keywords:

Social tolerance, religiosity, religious tolerance, behavioral tolerance, students.

ABSTRACT

Introduction: One of the prerequisites for the formation of civil society is the existence of social tolerance in that society. Institutionalizing social tolerance in a society can have a very positive effect on resolving various conflicts. This research aims to investigate the status of social tolerance among students at the University of Tabriz and its relationship with religiosity.

Methodology: The present research was conducted using a survey method and its statistical population is students at the University of Tabriz in 1403, of whom 172 were selected using the Cochran formula and stratified sampling. To measure social tolerance, the standard questionnaire of social tolerance used in the study by Zalizadeh et al. (2018) was used, and to measure religiosity, the standard questionnaire of Glock and Stark was used.

Results: The research findings show that the average social tolerance among students is 59.79 percent, which indicates that social tolerance has a medium to high status among students. Among the dimensions of social tolerance, the gender tolerance dimension had the highest average percentage and the religious tolerance dimension had the lowest average percentage among the dimensions of the social tolerance variable. In addition, the average religiosity for the respondents was 75.54 percent, which shows that the level of religiosity of Tabriz University students is high.

Conclusion: The results of the research hypothesis test show that social tolerance has a positive and significant relationship with religiosity. Also, the belief, religious, nationality, and behavioral dimensions of social tolerance had a significant relationship with religiosity, while the ethnic, gender, and moral dimensions of social tolerance did not have a significant relationship with students' religiosity. The results of the regression analysis show that the four dimensions of religiosity explain about 18 percent of the variance of the social tolerance variable.

Cite this article: Soltani Bahram, S., Hemati, Z., Shafiei Zazali, M. (2024). Investigating the relationship between social tolerance and religiosity among students at the University of Tabriz. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (1), 16-31.



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.65865.1852](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.65865.1852)